مسألة سیزدهم: إذا كان هناك مجتهدان متساويان في الفضيلة يتخير بينهما‌ إلا إذا كان أحدهما أورع فيختار الأورع‌.

قسمت اول این مسأله در ضمن مسأله دوازدهم بحث شد. در ضمن آن مسأله بیان شد که اگر دو مجتهد در علم مساوی بوند در اختیار بین این دو مجتهد برای تقلید مخیَّر می­باشم.

اما عمده بحث ما در این مسأله راجع به قسمت دوم است که فرمود: **إلا إذا کان أحدهما أورع فیختار الأورع.** می­خواهیم بدانیم اگر هر دو مجتهد در علم مساوی باشند اما یکی از آنها أورع باشد وظیفه ما در تقلید چیست؟ آیا معیَّناً باید از اورع تقلید شود یا مخیَّر بین تقلید یکی از آن دو هستم؟

در مسأله دو قول است:

**قول اول:** جمعی از قدماء مانند شیخ طوسی در نهایه و تهذیب ، شهید اول در ذکری و شهید ثانی در دروس و مسالک. و جمعی از متأخرین مانند صاحب عُروه، **حکم به لزوم تقلید از أورع کرده اند.**

قائلین به این قول برای اثبات ادعای خود به ادلّه ای تمسک کرده اند.

**دلیل اول:** استناد به مُرسله است. **لا یحلُّ الفُتیا الا لِمن کان أتبع أهل زمانه لِرسول الله[[1]](#footnote-1)**

**تقریب استدلال:** أتبع به معنی تارک شبهات ، مکروهات و فاعل مستحبات و توجه کامل به احتیاط ها است. ( به مجتهدی که دارای چنین خصوصیت های باشد أتبع گفته می­شود) و أتبع به این معنی همان أورع در عمل است . حال که أتبع همان أورع در عمل شد می­گوییم تقلید از مجتهد أورع متعیَّن است. یعنی لا یحل الفُتیا الا لمن کان أتبع ( أورع ) اهل زمانه... حال که فتوای او حلال نیست تبعیت از آن نیز جائز نیست. لذا با وجود مجتهد اورع و غیر اورع قطعاً رأی مجتهد أورع باید تقلید شود.

**إن قلت:** این حدیث ضعف سندی دارد زیرا مرسله است لذا قابل استناد نیست.

**قلتُ:** ضعف سند مُنجبِّر به عمل اصحاب است. عمل اصحاب ( چه قدما چه متأخرین) ضعف سند را جبران کرده است.

**اشکال استاد به این دلیل:** به نظر ما استناد به این حدیث از دو جهت اشکال دارد.

**جهت اول:** اینکه شما فتوای در زمان ائمه علیمه السلام را با فتوا در عصر حاضر یکی دانسته اید صحیح نیست زیرا فتوا در زمان ائمه علیهم السلام صرف نقل احادیث بوده است اما در عصر حاظر فتوا عبارت است از بررسی قواعد اصولی و صدور فتوا بر اساس آن قواعد( به عبارت دیگر فتوا در زمان ما استنباط از ادله فقاهتی است چون دسترسی به امام نداریم لذا باید استنباط کنیم) لذا گسترش دادن واژه فتوا از آن زمان به عصر حاضر بلا وجه است. نظیر اینکه امامان ما به برخی از اصحاب می­فرمودند: **إجلس فی المسجد و افتی الناس**. لذا راویان حدیث فقط نقل احکام می­کرده اند اما فتوا و استنباط نمی­کرده اند.

**سوال:** اگر راویان زمان ائمه علیهم السلام فتوا و استنباط نمی­کرده اند چرا در این حدیث از لفظ فتوا استفاده شده است؟

**جواب:** اینکه کلمه افتی الناس را ذکر کرد برای این است که راوی باید بشناسد که سوال این سائل مصداق کدام یک از احادیثی است که از ائمه علیهم السلام شنیده است و خود همین شناخت و تطبیق سوال با یکی از آن احادیث نوعی اجتهاد و استنباط لذا لفظ فتوا را به کار برد.

**جهت دوم:** مراد از أورع در استنباط و فتوا بر اساس قواعد این است که مجتهد سریع الجزم به حکم و فتوا نیست ( به راحتی و با دیدن چند دلیل فتوا نمی­دهد) بلکه در فتوا دادن تحقیق زیادی می­کند و لذا به راحتی فتوا نمی­دهد.

 در حالی که طبق معنای شما که أتبع را به معنی تارک شبهات و مکروهات و ... دانستید. أتبع به معنی أورع در عمل است و أورع در عمل مربوط به اخلاق ، آداب ، ظائف و به صور کلی مربوط به مما ینبغی أن یُفعل است و این ربطی به باب استنباط ندارد. لذا حدیث خارج از بحث است و موضوعیّت ندارد.

**دلیل دوم:** (استناد به مقبوله عمر بن حنظله است) که فرمود: **الحکم ما حکم به اعدلهما و افقههما و اصدقهما فی الحدیث و اورعهما...**

**تقریب استدلال:** مراد از این مرجِّحات هم در باب فتوا است هم در باب قضاوت وحکم قضای است.

بله قبول داریم که حدیث مربوط به باب قضاوت است اما ما القاء خصوصیَّت می­کنیم و می­گوییم مرجِّحات در این حدیث مختَّص بای قضاوت نیست بلکه شامل باب فتوا هم می­شود.

**اشکال استاد:**

**اولاً** القاء خصوصیَّت مشکل است زیرا مورد ترجیح در این حدیث برای باب قضاوت است و در باب قضاوت حکم برای فصل خصومت است. اما در باب فتوا حکم و نظر و رأی برای عمل کردن عوام است لذا دو باب مستقل می­باشند.[[2]](#footnote-2)

**ثانیاً** أورع بودن در باب قضاوت میان دو فقیه حاضر در یک شهر است لذا می­گویند أورعیّت اضافی است . این فقیه نسبت به آن فقیه أورع است اما أورعیّت در باب فتوا مطلق است ربطی به یک شهر ندارد. لذا قیاس کردن این دو باب به هم صحیح نیست.

1. ۱-بحار الانوار جلد ۱ صفحه ۱۲۱ [↑](#footnote-ref-1)
2. ۲-در مسائل گذشته به صورت مفصَّل فرق باب قضاوت و فتوا بیان شد و گفتیم که قیاس کردن این دو باب به هم صحیح نیست. [↑](#footnote-ref-2)